

فرموده از احکام اصولیه و فرعیه که درین معنی مابین است یا درین معنی
آن احکام است و اجزای ماموریه خبری است که حکم فرموده آن جزو اجزای
مصدری است که تکلیف است پس معنی آنست که امر همین حکم است پس کلامی که درین
موضوع است یا موصوله دعایه مخدوف یا مصدر است و بقال الاجرای صحیح
امور واقع در عالم خبری است که تقدیر کرده و حکم کرده بآن خبر و تمام مخلوقات
مخلوق است الله تالی کل شیء فرموده است و جمع بندای بنف است و حلقه
بگوش است و کمال کلام البدر جای عهد یا شد و است الله الرؤف الرحیم
معنی هر دو اسم در شرح نود و نه نام خداست یا نوشته ام اسماک خود
الاسوال میگویم از تو در عالم خبری است نور ذلت تو چنین نور یا چنین ذلت که
برای آن روشن و تابان شدی اسماکها جمع طبقات که بعضی بالاجزای
و از هر آسمان تا آسمان دیگر مسافت باشد مسافت راه است و غلط در این
آسمان همین مسافت است در روشن و نورانی شدن است زمین یا هفت طبقه
خود که مسافت هر طبقه زمین تا طبقه دیگر و هر یک هر طبقه مانند سواست مسافت
ارضی بر این اتفاق طبقات برابر است یا برای خوردی آن طبقات است
زیرا که طبقه زمین در جنبه آسمانی مانند طبقه اکثری است در میان و جمع
سما برای نزدیک طبقات است یا برای اختلاف طبقات او و تقدیم است
برای شرف است که موقعا یک مقرب است و محل ارواح انبیا درین است
حنان و در جات علیه است قوله کل حیوان ملک الی غیره سوال میگویم از تو
هر کفایت که در آن است بر یکسان از اطاعت و استقامت عبادت و اجتناب
منهیات و بچین و دعوت سائیلان که بر است از جزا و نواب بوجهی

انبار

که ثابت الای زنت و واجب الوجود کجا و زکات اگر کنان من درین مابعد
یا درین سلسله نگاه کله او برای تنوع است پس خود انان بن دعایم در صیاح
و هم در صا و خلدی کنه در از استن و در خ کنه قوله ان یصلی من انا که غیر
اذا یجا و زعمها مفعول و بعد است برای اسماک و ان بجز عطف است برای
و قوله بقدر تکالی قدرت کامله خود که بر هر خبری است در هیچ سببی است
موقوف نیست متعلق است به هر یک از اولیا که در پی میل تابع و غیر از
و در یک است درین حدیث است که سببی است برای انوار است در دعا که گفته
بچین و دعوت نبی با اولی حسی الله لا اله الا هو علیه توکل
و قوله کرب العرش العظیم سبع مرات یعنی در کتاب است الیوم
و اللیله این سنی مرد است از ابو الدرداء رضی الله عنه خود ان رسول خدا را
دعا را هفت بار و فرمودن آن حضرت این حدیث را من قال ذلک قبل یوم
حین یرجع یرضی ربه لقاؤه الله ما ایهمة من الدنیا و الاخرة
لفظ حسب اسم است از احساب که معنی است با صفت است معنی معنی
و حسی است یعنی برای کلامی که با اسم فعل است که معنی ماضی است یا معنی امرای کلامی
اولیکوی و قبل اخیته و حسیه بانه برای اعطیه یا برضیه پس معنی حسی است
ای عطا و یا برضیه یا حسیه که راضی و شنود کرد و در اخبار مراد است معنی دعا که
است که کافه و بسنده است برای جمع یا کماج الیمن در و درین الیوم
و هم نواله بعد از بعضی عارفان گفته اند حسیه را که کل مرفی و شایر عباد
عده هفت برابر می گفت هفت اعصاب در برای انبای سبع سموات طبقات
ومن الارض منکس است که محیط است تمام اینها عرض عظیم و شایر همین